

نمونه خلاصه کتاب

آرمان میرزانژاد؛ ۱ آبان ۱۳۹۵

تاریخ انتشار: شنبه ۱ آبان ۱۳۹۵ ساعت ۱۲:۳۳

«میشائیل کلهاس»

نویسنده: هاینریش فون کلایست

مترجم: محمود حدادی

ناشر: ماهی، چاپ سوم ۱۳۹۵

۱۸۲ صفحه، ۱۴۰۰۰ تومان

شما می‌توانید کتاب «میشائیل کلهاس» را تا یک هفته پس از معرفی با ۱۰ درصد تخفیف از فروشگاه اینترنتی شهر کتاب آنلاین خرید کنید.

میشائیل کلهاس اثر هاینریش فون کلایست نویسنده شهیر آلمانی است که قدرت تاثیرگذاری قلم او بر دو نویسنده معروف اروپا «کافکا» و «هرمان هسه» انکار ناپذیر است. چنان که فرانتس کافکا در خصوص داستان میشائیل کلهاس به معشوقه خود می‌نویسد: «دیشب نامه‌ای برایت نوشتم. چون غرق در مطالعه میشائیل کلهاس بودم و دیروقت شد (نمی‌دانم داستان آن را می‌دانی؟ اگر نمی‌دانی دست نگه دار. خودم آن را برایت خواهم خواند) به جز بخش کوچکی که دو روز پیش خوانده بودم، باقی آن را در یک نشست خواندم آن هم برای دهمین بار. این داستانی است که من به راستی با خلوص نیت در دست می‌گیرم.»

زندگانی شخصی کلایست پیوسته در کلنجر با ناممکن و هر دم دستخوش بیماریهایی روان پریشانه بوده است و شگفت انگیز است که او در ۳۵ سالگی دست به خودکشی می‌زند آن هم به همراه زنی که مبتلا به بیماری است. او در جایی نوشته است: برای من در این جهان چیزی که بخواهم بیاموزم یا به دست آورم وجود ندارد.

آثار به جا مانده از او هشت نمایشنامه، یک رمان دو جلدی گمشده، چندین نقد که یکی از آنها در باب تئاتر عروسی است و از آثار درخشان زیبایی‌شناختی متافیزیکی است، مجموعه لطایفی در محتوا و قالب باشکوه و چند رساله مطبوعاتی که مانند همه دیگر آثارش خصلتی شوریده‌وار دارند. در متن داستان بیان دیونوسیوسی یعنی بیانی پرشور و سرمستی آور از یک سو و در دیگر سو تقابل با احساسات پرشور، مسئله شناخت و توانایی استخراج یقینی در محتوای داستانها روشنگر ویژگی‌های داستانی کلایست است. او آخرین راز زندگی مخرب آلودش را به خواهرش چنین می‌نویسد: «حقیقت آن است که روی زمین از هیچ چیز کمکی برای من بر نمی‌آید.»

روحیات شکننده و خلقیات حساس کلایست و بی‌میلی و بی‌انگیزگی او نسبت به خشونت نظامی و ارتش و بازگشت و استعفا پس از هفت سال خدمت به سوی دانشگاه نشان می‌دهد که ما با خصوصیات نویسنده‌ای آسیب دیده، حساس و شکننده و البته باتجربه روبه‌رو هستیم. باید دقت داشت که کلایست از جمله نویسندگان خاصی است که در جنگهای ضدناپلئونی در محاصره شهر مانیس شرکت داشته و در دو جنگ واقعی دیگر هم. او پس از مورد مطالعه قرار دادن آثار فیلسوفانه کانت، دچار شوک و انقلابی هراس‌انگیز در شیوه اندیشیدن خود می‌شود و پی می‌برد که حقیقت و کمال دست یافتنی نیستند و می‌نویسد: «یگانه هدف

من و آن هدف والایم فروپاشیده است و من دیگر هیچ مقصودی ندارم». به راستی نمی‌توان به این فرض صورت مسلمی داد که کلاسیست جزء نخستین نویسندگان نیست‌گرای آلمانی است که دچار بیماری فلسفی نیهلیسم است؟ همان طور که نیچه در اراده معطوف به قدرت در تعریف نیست‌گرایی می‌گوید: «نیست‌گرایی این است که برترین ارزشها، ارزش خویش را از دست می‌دهند، هدفی در کار نیست یا «چرا» را پاسخی نیست.» آیا کلاسیست دچار همان بی‌هدفی تعریف شده از نگاه نیچه‌ای نشده است؟ بیش از بی‌هدفی یا هدف گم‌کردگی، کلاسیست گرایشی انکارناپذیر به ناامیدی و تردید داشت چرا که در خلوت خود می‌دانست چیزی در درون اوست که هر اندازه تاریک، زیرزمینی، بربرخو و غول آسا بود چنان که به شیوه‌ای دیونوسیوسی خروشان بود و کلام را در هر تعبیر و جمله‌ای زیر باری فراتر از توان زبان می‌برد.

روایت میثائیل کلهاس کلاسیست بر بستر چشم انداز عمومی زمانه‌ای است که خیزش هانس کلهاس در آن رخ داده است. اگر چه در مجموع با نگاهی واقع بینانه نوشته شده است. و از نومییدی انسانی عدالت خواه در پیچ و خم یک دولت خودکامه و آلوده به خویشاوند سالاری، کارشکنی و تفرعن هزار فامیلی پر کر و فر و متکی بر ابزار و اسلحه سگ و نوکر، ترسیمی زنده به دست می‌دهد. باید این داستان را بیش از همه روایتی فلسفی- اجتماعی دانست، چیزی کم و بیش متفاوت از داستان راهزنان جوانمرد و یا رابین هودی که شکاف ناخوشایند طبقاتی به حمایت از محرومانش کشیده باشد.

آن چه در این داستان مایه حرکت شخصیت‌ها و تصادم آنها است پیش از هر چیز نگرش به قانون به عنوان خشت اول جامعه است. از دیدگاه کلهاس قانون تنها قراردادی مصلحت‌اندیشانه برای تثبیت مناسبات اجتماعی نیست. بلکه به عنوان چکیده خرد و انصاف، نشان نظامی کیهانی است که حتی صلح نفسانی انسانها نیز به آن بستگی دارد، چرا که روشن‌ترین و رساترین بیان خدشه‌ناپذیری حریم حرمت انسانی است. قانون از این دیدگاه مقامی ملکوتی و مقدس می‌یابد. کلاسیست به منظور تاکید بر این نکته، برای کلهاس داستان، نام میثائیل کلهاس یا میکائیل فرشته عدالت در آئین مسیحیت را برمی‌گزیند. در «گنده پیرلوکارنو» هم از آغاز شالوده این قصه شیخ‌الود قرار می‌گیرد که در میان قصه‌های این نویسنده کوتاهترین است.

داستان «گنده پیرلوکارنو» در ابتدا به قصری سوخته اشاره می‌کند و سپس با رجعتی کوتاه و فشرده به گذشته، شرح و دلیل این آتش سوزی را باز می‌گوید و به این ترتیب در قاب چشم‌اندازی اجمالی و در فضایی بسیار هیجان آلود، خواننده را تماشاگر چرخه جنایت و مکافات در دادگاه جهانی و وجدان آدمی می‌سازد. از این نگاه می‌توان «گنده پیرلوکارنو» را کوتاهترین اثر ادبیات مدرن جهان دانست. کلاسیست در این اثر با مطرح ساختن کنش ضمیر ناخودآگاه آدمی به سهم خود و در عمل از پیشگامان آموزه و اندیشه زیگموند فروید می‌شود.

«زلزله در شبلی» را می‌توان شاهدهی دیگر برای گرایش کلاسیست به اندیشه‌های ژان ژاک روسو دانست. ظاهراً در اندیشه‌ها و آموزه‌های روسو نوعی تمدن‌گریزی و یا دست کم میل به بازگشت به طبیعت وجود داشته است. انسان طبیعی در اندیشه او در ذات خود خصایلی نیکو دارد و در بهشتی از معصومیت زندگی می‌کند. هبوط این انسان زمانی آغاز می‌شود که جامعه را پایه‌ریزی می‌کند و با قبول قرارداد اجتماعی از دامان طبیعت بیرون می‌آید. «زلزله در شبلی» نخستین بار در سال ۱۸۰۷ با چاپ رسید و نخستین واکنش عوام‌زده این بود که این اثر با موضعی که در قبال نهادهای عقیدتی جامعه دارد گستاخانه و شالوده شکن است. برخلاف این نظر باید گفت مایه‌هایی از بینش غایت‌مندانه و بسیار زهد آمیز کلاسیست در این جا هم بروز می‌کند. جهانی که در این داستان توصیف می‌شود، انحطاط زده است و در معرض ویرانگری تعصب. ایمان از سرچشمه خود دور و عشق در چنبره ملاحظات اجتماعی بدل به پیوندی مصلحتی شده است که بر این انحطاط هرج و مرج طبیعت نیز اضافه می‌شود.

«مارکونیز فون...» نیز جهانی مبهم و معمایی است با این تفاوت که تلاش در راه رسیدن به وضوح در این داستان نمودی روشنتر دارد و مارکونیز فون... را در این راه تا به درجه تقدس بالا می‌برد. هسته این داستان موضوعی مکرر است و ای بسا به روزگار دوری برمی‌گردد که آدمی در معصومیت خویش، ناآگاه از حاصل آمیزش، زایش را به ماورا ربط می‌داد. کلاسیست در «مارکونیز فون...» این قصه بارداری ناخودآگاه را به حیطة روان‌شناختی بسیار استادانه‌ای درمی‌آورد که سیاقی کافکایی دارد و انسان را در نهانی‌ترین گوشه حریم و حرمت خود در معرض گزند بیگانه نشان می‌دهد. با این حال درون مایه داستان، چرخش آن را به سوی پایانی خوش ضروری می‌سازد.